به نام خدا

قصه قناری حرف گوش کن

نویسنده: دکتر رضا ریحانی | درمانگر مجاز آیسفت کانادا

ویژه کودکان **۴ تا ۹ سال**

هدف: قصه قناری حرف گوش کم به کودکان می آموزد که بهتر است به حرف پدر و مادر خود گوش کنند تا به مشکلات جدی برنخورند.

روزی روزگاری در یک جنگل زیبا، مهمان دانایی وارد شد. مهمان دوست داشت همه حیوانات جنگل را بشناسد. اما با هیچ‌کدام حرفی نمی‌زد. او قدم می‌زد و به رفتارها و حرف‌های بقیه خوب دقت می‌کرد تا آن‌ها را بشناسد. همینطور که در جنگل قدم می‌زد، طوطی را دید که با نگرانی از او پرسید:" شما "نَه نَه" را ندیدی؟!". مهمان با تعجب جواب داد:" "نه نه" کیه؟."

طوطی چیزی نگفت و فورا پرواز کرد و رفت. مهمان هم به راه خودش ادامه داد. او در حال راه رفتن بود که خرگوشی با نگرانی پیشِ او دوید و گفت: "شما "نَه نَه" را ندیدی؟!". مهمان دوباره تعجب کرد و پاسخ داد:" اصلا این "نَه نَه" کی هست؟." خرگوشی جوابی نداد و فورا دوید و رفت. مهمان خیلی تعجب کرده بود. او اصلا "نه نه" را نمی‌شناخت. به راه خودش ادامه داد تا اینکه خرسی را دید. خرسی هم با نگرانی گفت:" ببینم شما "نَه نَه" رو این طرفا ندیدی؟."!

مهمان کاملا گیج شده بود. برای همین پرسید": حتما "نَه نَه" مادربزرگ دانای جنگل است. درسته؟." خرسی با نگرانی، اخم کرد و رفت. مهمان هنوز هم گیج و متعجب بود. او با خودش می‌گفت:" این "نَه نَه" کیه؟ اگه مادربزرگه جنگله، چرا همه با نگرانی دنبالش میگردن؟". این فکرها در سرِ مهمان می‌چرخید که ناگهان چشمش به دوتا قناری افتاد. هر دوی آن‌ها نشسته بودند. یکی از آن‌ها بلند بلند گریه می‌کرد و یکی دیگری ناراحت و غمگین بود.

مهمان به آن‌ها نزدیک شد و گفت:" میشه بهم بگید "نَه نَه" کیه؟". قناری‌ها فورا باهم جواب دادند و گفتند:" شما "نه نه" رو دیدی؟! کجاست؟ ما بابا مامانش هستیم و خیلی نگرانشیم. دوباره به حرفمون گوش نکرده و معلوم نیست کجاست! تو رو خدا بگید پسرمون کجاست!". مهمان تازه فهمید که "نه نه" اسم یک بچه قناریِ کوچک است که اصلا به حرف پدر و مادرش گوش نمی‌دهد.

مهمان گفت:" میفهمم که چقدر ناراحت و نگرانید. شما بچه‌تون رو خیلی دوست دارید، واسه همین نمیخواید آسیب ببینه. بیاید باهم مثل همه حیوانات جنگل بریم و دنبالش بگردیم.". سپس، همه باهم به راه افتادند. رفتند و رفتند تا اینکه از ته

یک چاه سیاه، صدایی به گوش رسید. صدایی که می‌گفت: "من دیگه نمیخوام "نه نه" باشم. من همش به مامان بابام میگم "نه"، واسه همین همیشه به دردسر میفتم. خدایا کمکم کن. دیگه به حرف بابا مامانم گوش میکنم."!

آن‌ها فهمیدند که این صدا، صدای "نَه نَه" است. مهمان از بالای چاه داد زد و گفت:" تو که پرواز بلدی، پر بزن و بیا بالای چاه!". نَه نَه گفت:" به حرف مامانم گوش نکردم و جای بدی رفتم. واسه همین هر دوتا بال‌هام آسیب دیده و نمیتونم پرواز کنم."! بعد مهمان سطلی پیدا کرد و آن را به یک طناب بست. سطل را به داخل چاه انداخت. نه نه داخل سطل نشست و همه باهم او را از چاه سیاه نجات دادند.

"نه نه" همه جای بدنش آسیب دیده بود. او از اینکه همیشه لجبازی کرده بود و به حرف پدر و مادرش گوش نمی‌کرد خیلی پشیمان بود. نه نه سرش را پایین انداخت و گفت:" شما اگه بهم میگید کاری نکن، برای اینه که من به دردسر نیفتم. من داخل این چاه فکر کردم و تصمیم گرفتم از این به بعد به حرفای شما که خیلی دوسم دارین گوش کنم!". سپس، مهمان دانا گفت:" آفرین عزیزم! نه گفتن خیلی بدم نیست . اما اگه بهمون آسیبی وارد شه، اصلا خوب نیست."!

داستان برای حرف شنوی کودکان: سوالاتی که باید بپرسید

سوالاتی که در پایان قصه می پرسید، اثربخشی قصه را افزایش می دهد. نبوغ خفته پیشنهاد می کند در پایان قصه سوالات زیر را از فرزندتان بپرسید:

- نه نه کی بود؟
- چرا دو تا قناری که گریه می کردند حالشان بد بود؟
- چرا بابا و مامان نه نه خیلی نگران او می شدند؟
- به نظر شما نه نه در ته چاه چه احساسی داشت؟
- تا حالا شده شما هم به حرف مامان یا بابا گوش نکنی و آسیب ببینی؟

WWW.NOBOUGHEKHOFTE.COM